



۲۰۲۴/۴/۷

کاتید اکادمیسین سیستانی

باورم نمیشد که باری جهانی در قضاوت میان یک دموکرات

ویک دیکتاتور به نفع دیکتاتور رأی بدهد؟

باری جهانی که روزی از پرچمداران خلقی در فرکسیون ظاهر افق بود، و در ده ها میتنگ و مظاهره برضد نادرشاه پدر ظاهرشاه (نرم خوی ترین شاه افغانستان) شعار مرگ بر ظاهرشاه میداد، امروز تغییر عقیده داده در قضاوت میان دوشاه: یکی شاه امان الله، شاه دموکرات و متجدد و دیگری نادرشاه، شاهی دیکتاتور و محافظه کار، هر دو از خاندان محمدزائی، به نفع نادرشاه دیکتاتور دست بلند میکند؟ حتماً در زیر این کاسه نیم کاسه ای هست.

باری جهانی در مقاله (نگاه مختصر به طفره رفتن غبار از بیان حقایق) بر یک استاد مسلم و یک دانشمند قابل افتخار افغان داکتر سید عبدالله کاظم تاخته او را متهم به عقده های شخصی نموده میگوید مقاله «چرا غبار از بیان حقایق در مورد قتل امیر حبیب الله سراج طفره رفته است؟» او از روی عقده های شخصی نوشته شده است. در حالیکه همه میدانیم که داکتر سید عبدالله کاظم یک سید است و با هیچ قوم و طایفه ای از مردم افغانستان ضدیت ندارد و آنچه درباره این اقوام میگوید از روی کمال بیطرفی و بدون حب و بغض شخصی میگوید و اگر بنا باشد عقده های قومی و اتنیکی مطرح باشد در مورد جهانی بیشتر مطرح میشود زیرا او به یکی از اقوامی تعلق دارد که بصورت عنعنی با قبیله محمدزائی مخالفت دارد و بنابراین اگر او از کدام شاه یا قدرتمند محمدزائی بدفاع برمی خیزد باید متوجه بود که در پشت این اقدام او رازی نهفته است!!!

آقای جهانی در قضاوت بر شاه امان الله و نادرشاه، به شجاعت نادرشاه در جنگ تل افتخار میکند و از شاه امان الله شاهی که با دست خالی برضد استعمار اعلام جنگ و جهاد کرد و استقلال کشور را از کام استعمار انگلیس بیرون کشید، او را جبون و ترسو می شمارد و میگوید او در هنگام بمباران طیارات انگلیس بر قصر گردان سرای که محل اقامت شاه امان الله بود چرا در تهکوی قصر خود پنهان شده بود؟

آدم باید خیلی کودن و ساده لوح باشد که برای حفظ جان خود از بمباران طیارات دشمن تلاش ننماید و پناهی جستجو نکند! امان الله خان ملا نصرالدین نبود که بخاطر انتقاد کسانی مثل جهانی جان خود را از خطر بمباران طیارات انگلیس که تا آنروز برای مردم افغانستان ناآشنا بود کنار نکشد و بنام شجاعت افغانی خود را بدم توپ و بمبارد دشمن بدهد. آقای جهانی که اینقدر به شجاعت نادرخان می نازد چرا خودش در حالی که هنوز طالبها بکابل نرسیده بودند، از ترس جان خود قبل از رسیدن طالبان بکابل وزارت اطلاعات و فرهنگ را بدون اطلاع ترک داد و از کابل به امریکا فرار کرد؟ در حالی که امان الله خان ممکن است فقط از منزل فوقانی قصر خود به منزل تحتانی چند ساعتی پنهان شده باشد.

قهرمان آقای جهانی جنرال نادرخان نیز وقتی طیارات انگلیس را بر مواضع عساکر خود در محازتل دیدد پا به فرار گذاشت و حضرت شمس المشایخ جلوا پیشش را گرفته فریاد زد: خیر سپهسالار صاحب کجا میروید؟

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

نادرخان گفت: «الساعه مخبر سرحدی رسید و خبر داد که قوای زیادانگلیس تجمع کرده و اینک به حمله مبادرت میکنند» شمس المشایخ گفت از این چه بهتر، مگر ماوشما شهادت نمیخواهیم؟ سپهسالار مجبوراً بایستاد و جنگ آغاز شد و انگلیسها در هم شکستند. مع هذا در حمله متقابل انگلیس در تل، سپهسالار به عقب کشید و قلعه مفتوحه را به دشمن گذاشت. او در راه عقب نشینی بود که فرمان شاه رسید و از متار که [آتش بس] رسمی دولتی اطلاع داد و این حادثه باعث نجات شهرت سپهسالار گردید". (افغانستان در مسیر تاریخ، جلد ۲، ص ۳۲)

حال آقای جانی بگوید که در جنگ تل شمس المشایخ قهرمان شمرده میشود یا سپهسالار نادرخان؟ به نظر من در این روایت غبار خواسته سپهسالار را ترسو، و شمس المشایخ، را شجاع تر از سپهسالار نشان بدهد. با در نظر داشت مخالفت شدید مرحوم غبار با نادرخان که در جلد دوم کتابش همه جا او را بنام حکمران مینامد، خواننده میتواند هدف کلام غبار را درک کند. مگر واقعیت این است که جنرال نادرخان خودش قلعه تل را زیر آتش توپ قرارداد و با فیر آخرین مرمی توپ گدام مهمات قلعه تل را شعله ور و انگلیسها را پریشان ساخت. همین ضربت توپخانه در جنگ تل سبب شد تا انگلیسها از حمله بر جلال آباد منصرف گردند و مجبور به متار که جنگ و حاضر به مذاکره گردند.

داکتر سید عبدالله کاظم، علل اعلام متار که از سوی انگلیسها و پذیرفتن آن از سوی شاه امان الله در بخشی از تحلیل عالمانه خویش نکاتی را برجسته میکند که با واقعیت ها و ظرفیت های نظامی آن روزگار طرف افغانی بیشتر همخوانی دارد. وی مینویسد:

«اینکه چرا انگلیسها به عجله متار که را پیشنهاد کردند، چند دلیل دارد :

یکی - آنها با آمدن فصل گرما و نیز خستگی مفرط قوای هندی از جنگ جهانی اول، ادامه جنگ را در ساحات حساس قبایل ماورای خط دیورند یکجنگفرسایشی و دوامدار ارزیابی میکردند و از نظر نظامی پیشبرد جنگ را بحال خود مفید نمی دیدند،

دو - هنوز جنگ در جبهه جنوبی ادامه داشت که حکومت بلشویکی روسیه بتاريخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و انگلیسها میدانستند که در صورت ادامه جنگ پای روسها در افغانستان کشانیده میشود و اینکار برای انگلیسها غیر قابل تحمل بود،

سه - آتش جنگ بیشتر در ساحات قبایلی تحت نفوذ انگلیسها گسترش می یافت و آن ساحه که حیثیت منطقه «حایل» را برای انگلیسها داشت، به میدان جنگ و مرکز ناآرامی ها در منطقه تبدیل می گردید و این وضع برای انگلیسها در دسر فراوان خلق میکرد. اینکه چرا شاه امان الله با وجود مخالفت بعضی شخصیتهای مؤثر - از جمله سردار عبدالقدوس خان صدراعظم، سپهسالار محمد نادرخان و از همه مهمتر جناب حضرت صاحب فضل محمد مجددی (شمس المشایخ) که روحانی مبارز، ضدانگلیس و شخصیت با نفوذ در بین قبایل بودند، پیشنهاد متار که انگلیسها را فوراً قبول کرد، جنگ را متوقف ساخت و راه حل سیاسی را در پیش گرفت، دلایلی وجود دارند که اهم آن در اینجا مختصراً ذکر میگردد:

الف) - ضعف قوای نظامی دولتی افغانستان و اتکای بیشتر به قوای قومی و در مقابل باتمام برتری های نظامی که انگلیسها داشتند، برای اولین بار در این جنگ از قوای هوایی (طیاره) استفاده کردند،

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپولو مخکي په څير و لولئ

ب) - ترس از اینکه با تداوم جنگ و ضعف قوای نظامی های موفقیت افغانی، که جنوبی درجبهه حاصله میتوانست آغاز یک عملیه سیاسی مساعد باشد، نیز از بین برود و موقف جانب افغانی در مذاکرات سیاسی ضعیف گردد،

ج) - خطر اینکه انگلیسها از وسیله همیشگی تطمیع یکعده سران قبایل و اقوام کار گیرند و آنها قوای خود را از جنگ بیرون بکشند و قوای دولتی را در ادامه جنگ تنها گذارند،

د) - واضح بود که در صورت تداوم جنگ از یکطرف افغانستان بسوی روسها کشانیده میشد و از طرف دیگر روابط سیاسی با انگلیسها قطع میگردد. شاه امان الله میخواست با سیاست «بیطرفی فعال» از رقابت روس و انگلیس به نفع کشور استفاده کند و لذا آرزو نداشت که بیک طرف وابسته بماند،

ه) - ختم جنگ عمومی اول موقف انگلیسها را در هند به مشکل مواجه ساخته بود و هم آنها از پیشرفت احتمالی روسها بطرف جنوب شدیداً ترس داشتند، لذا شاه امان الله با درک همین وضع شرایط جهانی و منطقی را برای حصول استقلال کشور از طریق سیاسی بسیار مساعد میدانست که باید از آن استفاده فوری بعمل آید،

و) - در صورت تداوم جنگ، نفوذ رؤسای قبایل و همچنان علمای دینی در کشور بسیار زیاد می شد، بخصوص نفوذ خانواده های روحانی که از همه بیشتر خواهان قدرت سیاسی وسیع به حیث «شریک السلطنه» بودند که در نتیجه افغانستان بار دیگر به نظام قبایلی دوره قبل از امیر عبدالرحمن خان برگشت میکرد، دولت ضعیف می شد و بساط خانه جنگی هموار میگردد. بنابراین آرزومندی دولت جهت آوردن اصلاحات برآورده نمی شد. ("افغان جرمن آنلاین، مقاله علل متارکه جنگ استقلال از داکتر عبدالله کاظم، اگست ۲۰۱۰)

از مقاله آقای جهانی تازه به این نکته پی برده میشود که جناب شان مثل سپهسالار نادرخان طرفدار حصول استقلال از انگلیس نبوده و همان تحت الحمایگی انگلیس را بر استقلال ترجیح میدهد، و برای تقویت قول خود دلیل می آورد که اردوی افغانستان درجبهه جنوبی فقط دو توپ با ۵۲ مرمی داشت و با این تجهیزات پیروزی بر کشور مقتدری چون بریتانیا ناممکن بود. گیریم جانب افغانستان از نظر تجهیزات نظامی ضعیف بود، و بگفته حسن ایبک که در کنار سپهسالار نادرخان حضور داشت، نادرخان آخرین مرمی باقیمانده توپ را بر قلعه تل شلیک کرد و قلعه آتش گرفت، و عساکر قلعه رو بفرار نهادند. در صورتی که نادرخان یک مرمی دیگر در اختیار نداشت تا بسوی دشمن شلیک کند، با کدام دل پری و اطمینان به شاه هوشدار میدهد که نباید آتش بس را با انگلیس قبول کند؟ در حالی که شاه این ضعف قوای نظامی خود را درک کرده بود و از روی دور اندیشی که داکتر صاحب کاظم آنها را بر شمرده آتش بس را با وجود مخالفت نورالمشایخ و رجال مهم دیگر پذیرفت. در اینجا یگانه چیزی که در ذهن خطور میکند که نادرخان را بر مواضعش جرأت بخشیده بود این است که او اطمینان حاصل کرده بود که انگلیسها خود بخود مواضع خود را ترک داده عقب نشینی میکنند و بنابراین او از این وضعیت خوشنود شده خود را قهرمان معرکه استقلال می دید.

در مورد اینکه نادرخان شخص مورد نظر انگلیسها بود تا بعد از امیر حبیب الله خان بر سریر قدرت قرار گیرد، نه تنها اسناد زیادی در آرشیفهای اسناد محرم هند بر تانوی موجود است بلکه اکثریت مقالات داکتر عبدالرحمن

زمانی گواه بر ارتباط مخفی نادرخان با انگلیسها است. داکتر زمانی، به ارتباط روابط خصوصی نادرخان با انگلیسها پس از استقلال، بیش از پنجاه مقاله مستند نوشته است که در آرشیف مقالاتش در افغان جرمن آنلاین قابل دسترسی است، لطفاً مقالات ۱۵۲ تا ۱۹۲ داکتر زمانی را در پورتال افغان جرمن آنلاین از نظر بگذرانید تا متیقن شوید که نادرخان کی بود؟ آیا توان دارید تا یکی از این مقالات را بطور مستند رد نمائید؟ فکر کنم که نه خیر!

دفاع از نادرخان دفاع از استبداد و دفاع از اعدامها و ترور اشخاص ملی و وطن پرست است. داکتر زمانی در یکی از مقالات خود مینویسد: «محمدنادرشاه از همان روزهای اول دیوانه وار از یکطرف به سرکوب خونین جوانان مترقی و آزادگان ضداستعمار مشغول گردید، و از طرف دیگرستیز و مبارزه علیه نام و نشان غازی امان الله خان و دوستان او را در صدر دستور کار خویش قرار داد. نادرشاه در همان اوایل احراز قدرت در خزان ۱۹۲۹، جنرال پینن بیگ خان، میرزا محمد اکبر خان، امرالدین خان، عبداللطیف خان کوهاتی، محمدنعیم خان کوهاتی، عیسی خان قلعه سفیدی، تازه گل خان لوگری، سلطان محمدخان مرادخانی، محمدحکیم خان چهاردهی و آل، احمدشاه خان کندک مشر، دوست محمدخان غندمشر پغمانی و سیدمحمدخان کندک مشرقندهاری را بدون تحقیق و اثبات جرم و گناهی گلوله باران نمود.» (داکتر زمانی، آرشیف مقالات، افغان جرمن آنلاین، انتقام گیری نادرخان خان) درحالی که شاه امان الله بقول غباردرطول ده سال حکومتش به استثنای مستوفی الممالک (که بجرم قتل عسکردولتی در شورش سپاه جلال آباد و اتهام نابودی مشروطه خواهان دوم محکوم به اعدام گردید و کرنیل شاه علی رضا نوکریوال خیمه امیردرشب حادثه قتل امیر بدلیل خاموشی خودش از افشای نام کسی که درشب قتل دستگیر کرده بود و آمرمافوقش او را با سیلی زد و قاتل را رهاساخت و او قاتل را می شناخت ولی تا آخر از ذکر نامش خود داری و رزید و در نتیجه محکوم به اعدام شد) حتی یک نفر از شخصیت های سیاسی را زندانی نکرد و نکشت.

داکتر عبدالرحمن زمانی در کتاب خود «بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس» در باره تلاش برای کشتن شاه امان الله تحقیقات مهمی کرده است که نشان میدهد علاوه بر انگلیسها، نادرشاه و بعد هاشم خان برای ترور شاه در خارج از کشور به اعزام سریاور و محافظ و سفیر و وزیر مختار خود از قبیل سید شریف کنری یاور نادرشاه، الله نواز خان سفیر و احمد علی خان لودین وزیر مختار و عبدالحکیم محافظ خاص هاشم خان برای ترور شاه امان الله گماشته شده بودند، ولی اکثریت این تلاش های در خارج توسط سرویس های جاسوسی روسیه کشف و به موقع به دولت ایتالیا خبر داده میشد و دولت ایتالیا هم در حفاظت شاه امان الله کوتاهی نمی کرد.» (داکتر زمانی، بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس، ۲۰۱۳، ص ۴۸۶-۴۹۲)

موضعگیری جهانی در قبال شاه امان الله خالی از این توطئه نیست که او میداند که نادرخان در جامعه افغانستان، و حتی در میان قبایل درانی چهره محبوب و قابل تحسین و تقلید نیست ولی امان الله خان بدلیل وطندوستی و استقلال طلبی و تحصیل استقلال از سلطه انگلیس چهره محبوب و کارزما و تاثیرگذار در جامعه افغانی است، بنابراین بهترین بهتر دانسته تا از سنگر نادرخان، تیر زهر آلودش بر شاه مان الله، این چهره محبوب ملی و تاریخی فیر کند تا به حساب باور غلط «غلجی - درانی» گویا حیثیت شاه خدشه دار گردد و از محبوبیت او کاسته شود! درحالی که فرزندان قدرشناس افغان اینقدر شعور دارند تا پشت ورق جهانی را از این موضع گیری اش بخوانند و جلو حمله تخریب کارانه او را بگیرند. پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ